

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۰.۰۷.۱۰

ایران در هفته‌ای که گذشت

جمعه ۱۸ تیر ماه [سرطان]

رادیو دموکراسی شورانی

منازعه‌ای که از سرشتی دیگر است

در این هفته، جمهوری اسلامی با معضلی جدید روبرو گردید که جنس آن متفاوت از آن چیزی است که لاقلاً در طول یک سال گذشته با آن درگیر بوده است.

بازار سنتی ایران به طور کلی و بازار تهران در وجه خاص، به عنوان مرکز تجمع بازرگانان و کاسبکاران خرده‌پا، همواره یکی از پایگاه‌های ارتجاع اسلامی و حامیان جمهوری اسلامی بوده است. نقش بازار در جریان به قدرت رسیدن خمینی و استقرار جمهوری اسلامی در آن حد بود که خمینی بازار و بازاریان را ستون سئبر به اصطلاح انقلاب اسلامی خود نامید و پیوسته از خدمات اقتصادی و سیاسی آن‌ها به جمهوری اسلامی تمجید کرد. نقش سیاسی آن‌ها در قدرت سیاسی حاکم به ویژه در مراحل اولیه جمهوری اسلامی عمده و تعیین‌کننده بود. اگر چه بعدها از نقش آن‌ها در قدرت سیاسی کاسته شد و بورژوازی صنعتی، نقش برتر و روزافزون‌تری نسبت به بورژوازی تجاری کسب نمود، اما تا به امروز نیز در محدوده‌ای نفوذ سیاسی خود را در جمهوری اسلامی حفظ کرده‌اند. امروز شاخص‌ترین نماینده سیاسی آن‌ها در جمهوری اسلامی، حزب مؤتلفه اسلامی است. به رغم این که در سال‌های اخیر از دامنه نفوذ آن در میان بازاریان کاسته شده است، اما همچنان بیش‌ترین تأثیرگذاری را در میان آن‌ها داراست.

در سراسر دوران جمهوری اسلامی، هم‌بناء به ماهیت و خصلت رژیم سیاسی حاکم و هم بحران اقتصادی و گاه از هم گسیختگی صنایع، بازاریان به ویژه تجار، سودهای کلانی به جیب زده‌اند و ثروت‌های هنگفتی اندوخته‌اند. آن‌ها حتا از پرداخت مالیاتی که ظاهراً قرار است بپردازند، همواره سر باز زده و در واقع خودشان یعنی تشکلهای صنفی‌شان تعیین‌کننده بوده است که چه مقدار مالیات بدهند یا ندهند. از دوران خاتمی اقدامی برای گرفتن مالیات

بیشتر از آن‌ها و تعیین ضوابط پرداخت مالیات توسط دولت آغاز گردید و در دوره احمدی‌نژاد ادامه یافت که منجر به کشمکش‌های دو طرف و حتا اعتصاب در بازار گردید. حدوداً دو سال پیش وقتی که دولت تصمیم به اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده را گرفت، در تعدادی از شهرها از جمله اصفهان، تبریز، مشهد، تهران، طلافروشان و پارچه‌فروشان مغازه‌ها را بستند و اعلام اعتصاب کردند. احمدی‌نژاد به سرعت عقب‌نشینی کرد و اجرای قانون را متوقف ساخت.

اکنون بار دیگر اختلاف و درگیری میان دولت و بازاریان بر سر افزایش مالیات بالا گرفته است. از روز سه‌شنبه این هفته، طلافروشان، پارچه‌فروشان، قالی‌فروشان و برخی صنوف دیگر در بازار تهران، مغازه‌های خود را بستند و اعلام اعتصاب کردند. اعتراض آن‌ها به افزایش مالیات سال ۸۸ است که گویا تا میزان ۷۰ درصد افزایش یافته است. این بار نیز وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی سریعاً دست به کار شد و با برگزاری جلسه‌ای با نمایندگان بازاریان به توافقاتی برای کاهش درصد افزایش مالیات دست یافتند. اما اصناف این توافق را نپذیرفتند و از جمله خواهان حذف ماده چهارم تفاهنامه با جدول آن شدند که در آن تعیین مالیات‌ها به کارگروه سپرده شده بود و نه توسط انجمن‌های صنفی. بازاریان تهدید کرده‌اند که تا وقتی دولت به خواست آن‌ها تن ندهد به اعتصاب خود ادامه می‌دهند. در این چند روز نیروهای پلیس و امنیتی رژیم نیز تلاش کردند گاه با ترغیب و گاه تهدید، بازاریان را به باز کردن مغازه‌هایشان وادارند، اما توفیق نیافتند. بنابراین اختلاف و درگیری میان بازاریان تهران و دولت ادامه دارد و در عین حال دو طرف در تلاش‌اند که تا فردا به توافقات جدیدی دست یابند. اشاره شد که نزاع و اختلاف میان دولت و بازار تهران، از سرشتی دیگر است و متفاوت با مبارزات و درگیری‌های مردم ایران با جمهوری اسلامی.

مبارزات توده‌های کارگر و زحمتکش از طریق اعتصاب، تجمع و تظاهرات بر سر افزایش دستمزد و حقوق یا بهبود وضعیت معیشتی خود، در واقع مبارزه‌ایست برای بازپس گرفتن بخشی از حاصل دسترنج خود از سرمایه‌داران و دولت آن‌ها. مبارزه عمومی توده‌های مردم برای کسب آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک خود نیز، مبارزه‌ایست علیه استبداد و ارتجاع سیاسی برای بازپس گرفتن حقوق سیاسی و مدنی لگدمال شده خود. اما نزاع و مبارزه میان دولت و بازاریان، نزاعیست بر سر این که چه کسی سهم بیش‌تر یا کم‌تری از سود که خود حاصل سرقت زمان کار کارگر است، به خود اختصاص دهد. سود بازرگانی، بخشی از ارزش اضافی یا سود کل است که نصیب بازرگانان و کاسبکاران می‌شود. دعوای دولت و بازاریان بر سر این مسأله است که چه میزان از این سود بازرگانی، مستقیماً نصیب تاجر و کاسبکار شود و چه مقدار از آن به عنوان مالیات نصیب دولت گردد. بنابراین محتوای این نزاع نشان می‌دهد که این اختلاف و نزاع چیزیست کاملاً متمایز از نزاع و مبارزه توده‌های مردم ایران با جمهوری اسلامی.

نه فقط در این جا دعوای بر سر سهم‌بری از سود است، بلکه همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، بازار همواره یکی از حامیان و پشتیبانان جمهوری اسلامی بوده و هست و جمهوری اسلامی حامی و حافظ منافع آن‌ها. اگر اکنون نیز کار آن‌ها در محدوده‌ای به رو در رویی کشیده است، به علت بحران‌های اقتصادی و مالیست که جمهوری اسلامی درگیر آن است. تشدید بحران اقتصادی و کاهش شدید قدرت خرید مردم ایران، قاعدتاً بر حجم و میزان سود سرمایه‌داران تأثیر منفی دارد، از این جهت، بازرگانان و کاسبکاران کوچک‌تر ناراضی‌اند و نگران. اما در تحت همین شرایط، به علت افزایش روزافزون هزینه‌های دستگاه بوروکراتیک - نظامی ماشین دولتی و سیاست‌های

میلیتاریستی و توسعه‌طلبانه رژیم، درآمدهای حاصل از نفت کفاف مخارج دولتی را نمی‌دهد، دولت با کمبود منابع تأمین هزینه‌های خود رو به روست و دچار بحران مالی.

بنابراین می‌کوشد از طریق افزایش مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، مشکلات مالی خود را حل کند. اگر اوضاع اقتصادی تا به این حد وخیم و بحرانی نبود، سرمایه‌داران صنعتی و بازرگانی با مشکل چندانی روبرو نمی‌شدند، چون، همین افزایش مالیات را بر بهای کالاها می‌افزودند و آن را مستقیماً بر دوش توده‌های زحمتکش مردم می‌انداختند. اما در اوضاع وخیم و بحرانی موجود که قدرت خرید توده مردم در پایین‌ترین سطح آن قرار دارد، این افزایش بها می‌تواند بر حجم سود آنها نیز تأثیر منفی بگذارد و آن را کاهش دهد، چون مردم دیگر قادر به خرید کالاها نیستند. این‌جاست که آنها مقاومت می‌کنند و خواهان لغو افزایش مالیات‌های مستقیم بر درآمد و سود خود می‌شوند و حتی به اعتصاب روی می‌آورند. سرانجام هم چون دولت از خود آنهاست و پاسدار منافعشان، کوتاه خواهد آمد و آن را به شکلی دیگر به ویژه از طریق مالیات‌های غیر مستقیم و افزایش بهای کالاهای انحصاری دولت، بر دوش توده‌های کارگر و زحمتکش خواهد انداخت.

امتیازی که خامنه‌ای به رفسنجانی داد

خامنه‌ای در این هفته تلاش کرد آتش اختلاف میان باندهای درونی جمهوری اسلامی را بر سر دانشگاه آزاد، موقتاً خاموش کند. در حالی که این اختلاف تا بدان جا دامنه گرفت که طرفداران احمدی‌نژاد در پی مصوبه مجلس به نفع رفسنجانی، آن را آشکارا به لجن کشیدند و به انحلال، تهدیدش کردند، خامنه‌ای منتظر ماند تا شورای نگهبان، این مصوبه مجلس را باطل اعلام کند و موضع احمدی‌نژاد را بر سر این مسأله تأیید نماید. آن‌گاه برای دادن یک امتیاز به رفسنجانی که نگران از دست رفتن یکی از مهم‌ترین مراکز قدرت مالی و سیاسی وابسته به خود می‌باشد، فرمانی خطاب به طرفین درگیر صادر کرد.

خامنه‌ای با ارسال نامه‌ای به رؤسای "هیئت امنای دانشگاه آزاد" و "رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی" گویی که از این ماجرا به کلی بی اطلاع است که نزاع بر سر در اختیار گرفتن یک ثروت هنگفت ۲۵۰ میلیارد تومانی، درآمدهای کلان دانشگاه آزاد و نقش سیاسی آن در زد و بندهای سیاسی درون حاکمیت می‌باشد، این نزاع را "مجادلاتی ملال‌انگیز" نامید و نوشت: "از آن‌جا که مجادلات پیرامون دانشگاه آزاد اسلامی، گفتگوهای ملال‌انگیز و غیر لازمی را بر مناسبات برخی از مسؤولان تحمیل کرده و اختلافات ملال‌انگیزی در مورد مسایل دانشگاه آزاد پیش آمده" این "مجادله ملال‌انگیز" فعلاً باید خاتمه یابد. ختم آن نیز بدین طریق انجام می‌گیرد که "فعلاً از تصرف مبنی بر وقف دانشگاه آزاد اسلامی و هر گونه اقدام مبتنی بر اساسنامه جدید مصوب دانشگاه آزاد خودداری شود." این دستور خامنه‌ای به مقامات تحت امرش، به این معناست که فعلاً وضعیت دانشگاه آزاد به روال گذشته ادامه یابد، مصوبه احمدی‌نژاد در شورای فرهنگی به اعتبار خود باقی می‌ماند، اما فعلاً اجراء نمی‌شود، دانشگاه آزاد هم فعلاً در تصرف دار و دسته رفسنجانی باقی می‌ماند، بی آن که با پیش کشیدن مسأله وقف، آن را به ملک دائمی خود تبدیل کنند.

رفسنجانی تا همین جا نیز باید از این حکم خامنه‌ای خرسند باشد، چرا که توانسته است، امتیازی از خامنه‌ای بگیرد و آنچه را که از دست رفته بود، مجدداً به دست آورد. مهم نیز برای او هم‌چنان در اختیار داشتن دانشگاه آزاد با ثروت و درآمد هنگفت آن است. روشن است که در ازای گرفتن این امتیاز، او اکنون بیش از گذشته باید چاکری خود را در آستان خامنه‌ای نشان دهد و به تبعیت او درآید. والا قید "فعلاً" هر زمان می‌تواند به زیان وی تغییر کند.

در جبهه دار و دسته طرفداران احمدی‌نژاد، اما نارضایتی و سردرگمی حاکم است. خامنه‌ای موقتاً هم که شده مانع از آن شده است، احمدی‌نژاد ضربه‌ای جدی بر یکی از مراکز قدرت رفسنجانی وارد آورد و آن را به مرکز دیگری برای افزایش قدرت خود تبدیل کند. هیأت امنای جدید که قرار بود به زودی جلسه‌ای تشکیل دهد و رئیس جدیدی برای این دانشگاه منصوب کند، اعلام نمود که تشکیل جلسه آن به تعویق افتاده است. طرفداران احمدی‌نژاد و سایت‌های خبری وابسته به آن‌ها، حکم خامنه‌ای را موقت و برای انجام اصلاحاتی در اساسنامه اعلام کرده‌اند که در پی آن، اساسنامه مصوب شورای فرهنگی به مرحله اجراء درخواهد آمد. یک عضو این شورای فرهنگی که از طرفداران احمدی‌نژاد است می‌گوید:

"خامنه‌ای تأکید کرده است که مسئولیت تصمیم‌گیری برای دانشگاه آزاد بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی خواهد بود. این توقف طولانی نخواهد بود و اساسنامه دانشگاه آزاد به زودی و با استحکام بیشتری اجراء خواهد شد. اما عجلتاً تصمیم‌گیرنده نه شورای عالی فرهنگی رژیم بلکه خامنه‌ایست که در چارچوب بده و بستان‌های سیاسی و مالی با رفسنجانی، این امتیاز را به وی واگذار کرده است.

بنابراین وضعیت کنونی دانشگاه آزاد به روال گذشته عجلتاً در دست رفسنجانی باقی ماند. اما این خود به یکی از کشمکش‌ها و درگیری‌های حاد میان باندهای طرفدار احمدی‌نژاد و رفسنجانی تبدیل خواهد شد. قطعاً احمدی‌نژاد و طرفداران وی تلاش خواهند کرد از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی و هیأت امنایی که نقش مهم‌تری در آن خواهند داشت، اهداف خود را پیش برند و فشار متمرکزتری را بر سر این مسئله بر طرفداران رفسنجانی وارد آورند. نتیجتاً اختلافات و درگیری‌ها در شکل وسیع‌تری رخ خواهد داد. خامنه‌ای، تنها آتش اختلاف را فعلاً زیر خاکستر کرده است. او نمی‌تواند مانع از دامنه‌دارتر شدن اختلاف گردد.

توخالی از کار درآمدن ادعاهای سران رژیم در واقعیت

تا وقتی که پای شعار دادن و عوام‌فریبی در میان است، جمهوری اسلامی و مقامات آن چیزی کم و کسر نمی‌آورند. بر این اساس گویا، جمهوری اسلامی به چنان ابرقدرتی تبدیل شده که بناء به اظهار نظر معاون احمدی‌نژاد، مهرداد بن‌پاش، "هیچ اجلاس و نشست بین‌المللی بدون امضای ایران شکل نمی‌گیرد، و محافل بین‌المللی بدون دعوت ایران به سرانجام مطلوب نمی‌رسند." و به ادعای احمدی‌نژاد، تحریم‌های شورای امنیت کم‌ترین تأثیری بر اقتصاد و مردم ایران ندارد. اما از مرحله شعار که گذشت، شدیداً درمانده و ناتوان‌اند و به هزار زبان آن را جار می‌زنند. تحریم‌های شورای امنیت که اخیراً تشدید شد، البته تأثیر کوتاه مدت و فلج‌کننده‌ای برای جمهوری اسلامی نخواهد داشت، اما این قطعنامه‌ها و تحریم‌ها، به فرصتی برای برخی قدرت‌های جهانی نظیر آمریکا و اتحادیه اروپا تبدیل می‌گردند که تحریم‌های یک جانبه‌ای نیز به اتکای همین قطعنامه‌ها، به مرحله اجراء بگذارند. پس از آن که دولت آمریکا، شرکت‌های آمریکایی را از تأمین بنزین، گازوئیل و سوخت هواپیما برای جمهوری اسلامی منع نمود و برای شرکت‌های خارجی نیز که دست اندرکار تأمین این مواد سوختی برای جمهوری اسلامی باشند، محدودیت‌های تجاری برقرار نمود، در این هفته، جمهوری اسلامی درگیر مشکلاتی ناشی از اجرای این تصمیم دولت آمریکا گردید که برخی از مقامات رژیم را شدیداً نگران کرد.

گذشته از محدودیت‌هایی که امارات برای فعالیت برخی شرکت‌های وابسته به جمهوری اسلامی پدید آورد، رژیم با این مسئله روبرو شد که در برخی از فرودگاه‌های کشورهای دیگر، بنزین به هواپیماهای مسافرتی جمهوری

اسلامی فروخته نمی‌شود. روز دوشنبه دبیر انجمن صنفی شرکت‌های هواپیمایی ایران اعلام کرد که فرودگاه‌های انگلیس، آلمان و امارات از سوخت‌رسانی به هواپیماهای ایرانی امتناع می‌کنند. وی افزود:

"این امر، هزینه‌های پرواز را به دو برابر افزایش می‌دهد." از وزارت امور خارجه خواست که سریعاً از طریق نماینده ایران در ایکائو، برای حل این معضل اقدام کند. مقامات جمهوری اسلامی که تاکنون هر گونه تحریم را بی‌اثر می‌دانستند، اکنون که با یک تحریم کوچک اما موثر روبرو شده بودند، چاره کار را در شکایت بردن به سازمان ملل یافتند. بعداً قطع سوخت‌رسانی به هواپیماهای جمهوری اسلامی از سوی دولت‌هایی که به آن‌ها اشاره شده بود، تکذیب شد، اما تا همین جا نشان داده شد که جمهوری اسلامی در مقابل تحریم‌های جدی تا چه حد ناتوان است. بلافاصله پس از این ماجرا بود که اتحادیه اروپا، اصلاً ورود ۵۷ هواپیما از ۷۶ هواپیمای ایرانی را که به مقصد اروپا پرواز می‌کنند، به فرودگاه‌های اروپا ممنوع کرد. توجیه به اصطلاح قانونی نیز برای آن آورده شد و کمیسیون حمل و نقل اتحادیه اروپا اعلام کرد که این هواپیماها به علت فرسودگی از ایمنی لازم برای پرواز به کشورهای اروپایی برخوردار نیستند. اکنون مقامات جمهوری اسلامی به تکاپو افتاده‌اند تا شاید بتوانند با صرف هزینه‌های هنگفت و خرید قطعات یدکی از کشورها و منابع دست دوم، این معضل را حل کنند و به نحوی از اتحادیه اروپا مجوز جدیدی برای پروازها به دست آورند. گرچه فشارهایی که در این هفته بر جمهوری اسلامی وارد آمده شد، چندان هم مهم نبودند، اما نشان داده شد که اگر قرار باشد تحریم‌های جدی علیه جمهوری اسلامی اعلام شود، ابزارهای متعددی در اختیار این قدرت‌های جهانی‌ست و رژیم نیز در مقابل آن‌ها به شدت ناتوان و آسیب‌پذیر می‌باشد. مسایلی که در این یک هفته برای جمهوری اسلامی پیش آمد، پوشالی از کار در آمدن ادعاهای رژیم را در واقعیت و در عرصه عملی به همگان نشان داد.

.....